

فهرست مطالب

مقدمه ۷

فصل اول: تشکیلات سازمان قضایی نیروهای مسلح ۹

گفتار اول: تاریخچه مراجع قضایی نظامی ۱۰

گفتار دوم: تشکیلات اداری و قضایی ۱۱

گفتار سوم: اقسام دادگاه‌های نظامی ۱۵

فصل دوم: صلاحیت‌های قانونی دادسراها و دادگاه‌های نظامی ۲۱

گفتار اول: صلاحیت ذاتی دادسراها و دادگاه‌های نظامی کشور ۲۴

گفتار دوم: صلاحیت‌های اضافی دادسراها و دادگاه‌های نظامی کشور .. ۳۲

الف) صلاحیت‌های اضافی مستند به استجازات ۳۲

ب) سایر صلاحیت‌های اضافی دادسراها و دادگاه‌های نظامی ۳۸

گفتار سوم: صلاحیت محلی دادسراها و دادگاه‌های نظامی کشور ۴۹

الف) صلاحیت محلی ۵۰

ب) استثنائات صلاحیت محلی ۵۴

گفتار چهارم: صلاحیت شخصی محاکم نظامی ۶۲

الف) صلاحیت محاکم تهران ۶۳

ب) صلاحیت محاکم مراکز استان ها ۶۴

گفتار پنجم: صلاحیت نسبی محاکم نظامی ۶۶

فصل سوم: سایر موضوعات مربوط به صلاحیت ۷۰

گفتار اول: تکلیف سایر مراجع قضایی در خصوص صلاحیت‌های اضافی

محاکم نظامی ۷۱

- گفتار دوم: استثنائات صلاحیت‌های محاکم نظامی ۷۴
- ۱- جرایم در مقام ضابط دادگستری ۷۴
- ۲- جرایم روحانیون نظامی ۷۶
- ۳- جرایم عمومی نظامیان ۷۹
- گفتار سوم: حل اختلاف در صلاحیت ۷۹
- گفتار چهارم: ضمانت اجرای رعایت مقررات صلاحیت ۸۴
- الف) بی اعتباری تصمیمات قضایی ۸۴
- ب) مسئولیت انتظامی ۸۶
- ج) مسئولیت مدنی ۸۷
- گفتار پنجم: مراجع صالح به رسیدگی به قرارها و احکام دادرسی و دادگاه‌های نظامی ۸۹
- جمع بندی ۹۲
- منابع ۹۵

به منظور تأمین نظم و امنیت و مقابله با متجاوزان و قانون شکنان، نیروهای مسلح هر کشور با در اختیار داشتن ابزارهای سخت و نرم قدرت، لاجرم اقتدار بلامنازعی بر جان و مال و حقوق شهروندان دارند. لذا مقنن در اعطای وظایف و اختیارات به این نیروها باید نهایت احتیاط را نموده و حدود و ثغور این اختیارات و وظایف را به روشنی تبیین نماید. همچنین متناسب با این مهم، بایستی ساز و کارهای نظارت قانونی بر این نیروها مشخص شود و نهادهای قانونی مسیتر و مقتدری برای برخورد با تخلفات و جرایم احتمالی این نیروها تشکیل شود.

در کشور ما، جدا از مجموعه‌های صیانتی درون نیروهای مسلح، سازمان قضایی نیروهای مسلح به عنوان تنها مرجع قضایی اختصاصی مصرح در قانون اساسی، از اعتبار و اقتدار خاصی در میان مردم و نیروهای مسلح برخوردار است که سرچشمه ی این اعتبار و اقتدار را باید در سوابق درخشان رسیدگی‌های قضایی دقیق و بی طرفانه قضات دادرها و دادگاه‌های نظامی جستجو نمود که در کنار توجه به حفظ اقتدار نیروهای مسلح، در حمایت از حقوق شهروندان کوتاهی ننموده اند.

محاكم نظامی در سابقه تقنینی کشور ما بیش از یک قرن آیین دادرسی خاص خود را داشته اند (قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۱، قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶، قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری یک و دو و شعب دیوان عالی کشور مصوب ۱۳۶۸...) که این قوانین قدیمی تا سال ۱۳۹۴ معتبر بودند لکن با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و الحاقات آن (مصوب ۱۳۹۳)، مقررات شکلی دادرسی در دادگاه‌های نظامی و دادگاه‌های عمومی و انقلاب یکسان شده و صرفاً برخی مقررات اختصاصی برای دادرسی نظامی به تصویب رسیده است (مواد ۵۸۱ و ۶۴۸ ق.آ.د.ک.).

در این تحقیق تلاش شده که جایگاه قانونی، تشکیلات و به ویژه صلاحیت‌های دادرها و دادگاه‌های نظامی کشور تبیین شود و به خصوص صلاحیت‌های اضافی این مراجع احصاء شود.

نگارنده این سطور در موارد متعدد ملاحظه نموده که شناخت دقیقی از صلاحیت‌های سازمان قضایی نیروهای مسلح در بین عموم شهروندان و حتی جامعه حقوقی و ضابطین قضایی وجود ندارد که این امر منجر به طرح پرونده در مراجع قضایی غیر صالح، اختلاف در صلاحیت محاکم قضایی، نقض آراء در مراجع عالی قضایی به علت عدم رعایت مقررات مربوط به صلاحیت و در مجموع موجب اطاله دادرسی شده است.

از آنجا که ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری، استجازات حاصله از حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری را در خصوص توسعه صلاحیت دادرها و دادگاه‌های نظامی به رسمیت شناخته است، امکان افزایش صلاحیت‌های اضافی محاکم نظامی در آینده نیز متصور می‌باشد.

امید است که با توجه به تنوع صلاحیت‌های قانونی دادرها و دادگاه‌های نظامی و تخصصی بودن موضوع، این تحقیق بتواند گامی مؤثر در تشریح جایگاه و صلاحیت‌های قانونی این محاکم بردارد.

به مصداق حدیث شریف امام صادق (علیه السلام): « احب اخوانی الی من اهدی الی عیوبی »، نگارنده رجای واثق دارد که ره پویان مسیر عدالت، کاستی‌ها و نقاط ضعف این تألیف را به عنوان هدیه ای ارزشمند متذکر خواهند شد.

sanatisseyyed@yahoo.com

صلاحیت کیفری عبارت از شایستگی و اختیاری که به موجب قانون برای مرجع جزائی، جهت رسیدگی به امور کیفری واگذار شده است. قواعد و مقررات مربوط به صلاحیت کیفری از قوانین آمره بوده و ناظر به نظم عمومی است و اراده و تصمیم افراد و مراجع کیفری تأثیری در نظام آن ندارد.^۱

اولین سؤالی که قاضی دادسرا و یا دادگاه قبل از ورود به ماهیت پرونده بایستی از خود بپرسد این است که آیا این مرجع قضایی صلاحیت رسیدگی به موضوع را دارد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ است که قاضی وارد رسیدگی ماهوی می‌شود و الا بایستی نسبت به صدور قرار عدم صلاحیت اقدام نماید. ماده ۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی در این خصوص مقرر نموده: «تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت هر دادگاه نسبت به دعوایی که به آن رجوع شده است با همان دادگاه است...». ماده ۲۷ همین قانون نیز مقرر داشته: «در صورتی که دادگاه رسیدگی کننده خود را صالح به رسیدگی نداند با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به دادگاه صلاحیتدار ارسال می‌نماید. دادگاه مرجع الیه مکلف است خارج از نوبت نسبت به صلاحیت اظهار نظر نماید...».

البته نمی‌توان به بهانه احراز صلاحیت پرونده را معطل نگه داشت و مقنن بر این نکته تأکید دارد که احراز یا عدم احراز صلاحیت باید در خارج از نوبت بررسی قرار گیرد. قسمت اخیر ماده ۷۸ ق.آ.د.ک. مقرر نموده که باید نتیجه اقدامات فوری به مرجع قضایی صالح ارسال شود همچنین ماده ۱۱۷ ق.آ.د.ک. تصریح دارد که

۱ - آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ هشتم، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۲۳۹.

پرونده فرد بازداشتی باید ظرف ۴۸ ساعت برای مرجع صالح ارسال شود. مواد ۲۷ و ۲۹ ق.آ.د.م. نیز تصریح بر رسیدگی خارج از نوبت به موضوع صلاحیت دارند. در باب اهمیت صلاحیت‌های محلی و ذاتی همین بس که عدم رعایت این صلاحیت‌ها از موجبات نقض دادنامه در مرجع تجدیدنظر است (بند پ ماده ۴۵۰ و بند ۳ ماده ۴۶۹ ق.آ.د.ک.). ضمناً برابر بند ۵ ماده ۱۵ قانون نظارت بر رفتار قضات، عدم رعایت صلاحیت ذاتی و محلی از تخلفات انتظامی برای قضات محسوب می‌شود.

در امور کیفری سه نوع صلاحیت رسیدگی مطرح است: ذاتی، محلی و شخصی. حقوقدانان دو نوع دیگر صلاحیت شامل صلاحیت نسبی و صلاحیت اضافی را مطرح کرده اند که در بطن همان صلاحیت‌ها نهفته است... شایان ذکر است که برخی حقوقدانان صلاحیت محلی و صلاحیت نسبی را مترادف و واجد یک معنی می‌دانند.^۱

برخی دیگر از حقوقدانان به درستی صلاحیت نسبی را متفاوت از صلاحیت محلی دانسته اند و صلاحیت نسبی را این گونه تعریف کرده اند: صلاحیتی است که قانونگذار با توجه به نوع جرم و یا میزان مجازات قانونی یا سن و یا سمت مرتکب تبیین می‌کند. در حال حاضر این نوع صلاحیت در محاکم کیفری یک و دو، دادگاه نظامی یک و دو قابل ملاحظه است و همچنین با توجه به جرایم قابل تجدیدنظر که بعضی در محاکم تجدیدنظر مرکز استان قابل تجدیدنظرند (۴۲۶ ق.آ.د.ک.) و بعضی هم مرجع فرجام خواهی و اعتراض به آنها دیوان عالی کشور می‌باشد (۴۲۸ ق.آ.د.ک.)، صلاحیت دو مرجع مذکور را می‌توان صلاحیت نسبی تلقی نمود.^۲

۱ - مصدق، محمد، آیین دادرسی کیفری، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۳، ص ۱۱۳.

۲ - هادی تبار، اسماعیل، ولی زاده، عیسی، چالش‌های پیش روی دادگاه کیفری یک، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره هفدهم، شماره ۱۹، بهار و تابستان ۱۳۹۹، ص ۳۰۸.

گفتار دوم: استثنائات صلاحیت‌های محاکم نظامی

علی رغم همه مباحث مربوط به صلاحیت ذاتی و اضافی محاکم نظامی، این محاکم صلاحیت رسیدگی به جرایم نظامیان زیر را ندارند:

۱- جرایم در مقام ضابط دادگستری

ماده ۵۹۷ ق.آ.د.ک. مقرر نموده: «به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح به جز جرائم در مقام ضابط دادگستری در سازمان قضائی رسیدگی می‌شود». تبصره ۱ این ماده مقرر نموده: «جرم در مقام ضابط دادگستری، جرمی است که ضابطان در حین انجام وظایف قانونی خود در ارتباط با جرائم مشهود و یا در راستای اجرای دستور مقام قضائی دادگستری مرتکب می‌شوند».

ماده ۲۹ ق.آ.د.ک.: «ضابطان دادگستری عبارتند از: الف - ضابطان عام شامل فرماندهان، افسران و درجه داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموزش مربوط را دیده باشند.

ب - ضابطان خاص شامل مقامات و مامورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند؛ از قبیل روسا، معاونان و ماموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، ماموران وزارت، اطلاعات سازمان اطلاعات سپاه و ماموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود، ضابط محسوب می‌شوند.

تبصره - کارکنان وظیفه، ضابط دادگستری محسوب نمی‌شوند، اما تحت نظارت ضابطان مربوط در این مورد انجام وظیفه می‌کنند و مسوولیت اقدامات انجام شده در این رابطه با ضابطان است. این مسوولیت نافی مسوولیت قانونی کارکنان وظیفه نیست».

فلسفه رسیدگی به جرایم ضابطان دادگستری در محاکم عمومی، این است که قضات دادرها و محاکم عمومی که ضابطان را آموزش داده و دستوراتی را به آنان صادر نموده اند، نسبت به پرونده مربوط و نوع مأموریت ضابطان اشراف بیشتری دارند و بهتر تشخیص می دهند که آیا ضابطان از دستورات تخطی نموده اند یا خیر؟

نکته ۳۸: در خصوص مرجع رسیدگی به جرایم سربازان وظیفه که در معیت ضابطان فعالیت می کنند، نظریه شماره ۷/۹۷/۱۹۵ مورخ ۹۷/۲/۹ اداره کل حقوقی قوه قضاییه قابل توجه است: (نظریه اکثریت) گرچه برابر تبصره ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری کارکنان وظیفه ضابط دادگستری محسوب نمی شوند، اما برابر همین تبصره، تحت نظارت ضابطان مربوط انجام وظیفه می کنند و مسئولیت اقدامات انجام شده در این رابطه با ضابطان است. بنابراین چون انجام وظیفه کارکنان وظیفه در امور محوله به ضابطان با نظارت و مسئولیت ضابطان است، رسیدگی به جرایم ارتكابی توسط ایشان در ارتباط با این امور، مستلزم بررسی نحوه محول نمودن کار و نظارت ضابطان و در نتیجه مسئولیت و یا عدم مسئولیت کیفری ضابطان می باشد. بنابراین به توجه به مراتب و اطلاق اصل ۱۷۲ قانون اساسی ج.ا.ا. و اصل صلاحیت محاکم عمومی، رسیدگی به جرایم مذکور نیز در صلاحیت دادگاه های عمومی است...

***نمونه قرار عدم صلاحیت دادرای نظامی به شایستگی دادرای عمومی و انقلاب**

«در خصوص اتهامات نظامیان آقایان... و... جمعی کلانتری ۱۱ شهرستان الف، مبنی بر مشارکت در تیراندازی عمدی بر خلاف مقررات منجر به قتل مرحوم... و مشارکت در صدور گزارش خلاف واقع موضوع شکایت اولیای دم مرحوم...، به این شرح که حسب محتویات پرونده و به ویژه گزارش متهمان، متهمان نظامی در حین گشت زنی مشاهده می نمایند که مرحوم... به اتفاق چند نفر از دوستانش، در حالت مستی، اقدام به قدرت نمایی با سلاح سرد و ایجاد مزاحمت برای بانوان می نمایند که متعاقباً متهمان از خودرو پیاده شده و پس از هشدار، اقدام به تیراندازی

به سمت این افراد نموده که با اصابت دو گلوله به کشاله ران و قفسه سینه مرحوم...، وی فوت کرده است. اولیای دم مدعیند که گزارش متهمان کذب بوده و متهمان به عمد و بدون دلیل قانونی تیراندازی نموده اند. پرونده بدو در دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان الف مطرح شده که در ادامه به لحاظ نظامی بودن متهمان، با صدور قرار عدم صلاحیت به این دادسرا ارسال شده است.

علی هذا این بازپرسی پس از انجام تحقیقات لازم و صرف نظر از صحت و یا سقم موضوع، با عنایت به اینکه حسب گزارش پرونده، اظهارات شاهد، سلاح سرد مکشوفه از مرحوم...، ملاحظه کارت ضابطیت متهمان و همچنین ملاحظه اظهارات دوستان مرحوم در پرونده دیگری که در خصوص شرب خمر و قدرت نمایی با سلاح سرد در دادسرای عمومی و انقلاب تشکیل شده، چنین استنباط می‌نماید که متهمان در مقام برخورد با جرایم مشهود و به عنوان ضابط دادگستری اقدام نموده اند و لذا رسیدگی به اتهامات آنان در صلاحیت این مرجع نبوده، مستند به مواد ۲۶۷ و تبصره ۴ ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری قرار عدم صلاحیت این دادسرا به شایستگی دادسرای محترم عمومی و انقلاب شهرستان الف صادر و اعلام می‌نماید. قرار صادره حضوری و پس از موافقت دادستان محترم قطعی است.

دفتر در صورت موافقت دادستان محترم با قرار صادره، با توجه به حدوث اختلاف در صلاحیت، مستند به ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۳۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری، پرونده جهت حل اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال شود. بازپرس شعبه اول دادسرای نظامی استان...»

۲- جرایم روحانیون نظامی

رسیدگی به کلیه جرایم نظامی و غیرنظامی روحانیون شاغل در قسمت‌های مختلف نیروهای مسلح (از جمله: عقیدتی-سیاسی‌های ارتش و فراجا و وزارت دفاع، نمایندگی‌های ولی فقیه در سپاه) به موجب آئین نامه دادسراها و دادگاه‌های

ویژه روحانیت (۱۳۶۹ با اصلاحات ۱۳۸۴) مصوب مقام معظم رهبری، به عهده دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت است و از سایر مراجع قضایی سلب صلاحیت شده است.

در ادامه برخی از مواد مرتبط از آیین نامه اخیرالذکر می‌آید:

«ماده ۱۳- دادسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت در موارد ذیل صالح به رسیدگی می‌باشند.

الف - کلیه جرائم روحانیون

ب - کلیه اعمال خلاف شأن روحانیون

ج - کلیه اختلافات محلی محل به امنیت عمومی در صورتی که طرف اختلاف روحانی باشد.

د - کلیه اموری که از سوی مقام معظم رهبری برای رسیدگی مأموریت داده می‌شود.

تبصره ۱ - در مواردی که دادسرای ویژه، رسیدگی به پرونده ای را به سایر مراجع قضائی ذی ربط واگذار نماید، مراجع مذکور موظف به رسیدگی می‌باشند.

تبصره ۲ - در مورد بند ج رسیدگی با هماهنگی دستگاه‌های ذی ربط صورت می‌گیرد.

تبصره ۳ - کلیه اتهامات اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، وزراء و معاونین آن‌ها، معاونان و مشاوران رؤسای سه قوه، سفر، دادستان و رئیس دیوان محاسبات، دارندگان پایه قضائی، استانداران و فرمانداران و جرائم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر، و مدیران کل اطلاعات استان‌ها که به لحاظ روحانی بودن نامبردگان فوق پرونده آنان در دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت مطرح می‌گردد و نیز کلیه اتهامات

نمایندگان مجلس خبرگان رهبری و ائمه جمعه در دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت تهران رسیدگی خواهد شد.

ماده ۱۵- سایر دادسراها در اموری که نسبت به روحانیون از آنها سلب صلاحیت گردیده، حق ورود، تحقیق و تعقیب را ندارند، مگر با اجازه دادستان ویژه حوزه قضائی مربوطه.

ماده ۱۶- روحانی به کسی اطلاق می‌گردد که ملبس به لباس روحانیت باشد یا در حوزه مشغول تحصیل باشد یا اگر به کار دیگری مشغول است عرفاً روحانی محسوب گردد.

ماده ۳۱- اتهامات شرکا معاونین و مرتبطين متهم روحانی در دادسرا و دادگاه ویژه مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

نمونه رأی صادره از شعبه ۳۴ دیوان عالی کشور به شماره ۹۴۰۹۹۸۴۴۱۵۵۰۰۸۹۹ مورخ ۹۵/۶/۲۷ در همین خصوص قابل توجه است:

« با توجه به اینکه طبق تبصره یک ماده ۱۳ آیین نامه دادسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت، در مواردی که دادسرای ویژه، رسیدگی به پرونده ای را به سایر مراجع قضایی ذیربط واگذار نماید، مراجع مذکور موظف به رسیدگی می‌باشند. بنابراین دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان الف. مکلف به رسیدگی به اتهام متهمان آقایان.... است زیرا دادسرای ویژه روحانیت شهرستان الف. رسیدگی به اتهام مشارالیه را وفق تبصره یک ماده ۱۳ آیین نامه موصوف به دادسرای عمومی و انقلاب همان شهرستان، واگذار کرده است. لذا حصول اختلاف در صلاحیت فیما بین دادسراهای فوق موضوعاً متفی بوده و پرونده قابلیت طرح در دیوان عالی کشور را ندارد. مقرر می‌دارد پرونده به دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان الف. برای رسیدگی ارسال شود.»^۱

۱ - به نقل از سامانه ملی آرای قضایی (پژوهشگاه قوه قضاییه)

۳- جرایم عمومی نظامیان

اصل یکصد و هفتاد و دوم قانون اساسی ج.ا.ا.: « برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضاء ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می گردد، ولی به جرائم عمومی آنان یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می شود. دادستانی و دادگاه های نظامی، بخشی از قوه قضاییه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند.»

گفتار سوم: حل اختلاف در صلاحیت

اختلاف در صلاحیت میان دو مرجع قضایی زمانی حادث می شود که هر دو مرجع قضایی همسطح خود را صالح به رسیدگی به موضوعی ندانند (اختلاف در صلاحیت منفی) و یا هر دو خود را صالح به رسیدگی بدانند (اختلاف در صلاحیت مثبت). مثلاً در پرونده ای، یک شعبه از دادسرای نظامی و یک شعبه از دادسرای عمومی و انقلاب خود را صالح ندانند و یا در یک پرونده دو شعبه از دادگاه های نظامی و کیفری از خود نفی صلاحیت نمایند.

هم سطح بودن مراجع قضایی و نفی صلاحیت از خود (یا برعکس اعتقاد هر دو به صلاحیت خود)، دو شرط مهم ایجاد اختلاف در صلاحیت است. لذا اگر بازپرس دادسرای نظامی پرونده را با قرار عدم صلاحیت برای بازپری دادسرای عمومی و انقلاب ارسال نماید و بازپرس دادسرای اخیر با پذیرش صلاحیت، اقدام به انجام تحقیقات مقدماتی و صدور قرار جلب به دادرسی نماید و پرونده با کیفرخواست در دادگاه کیفری دو مطرح شود لکن دادگاه اخیر الذکر خود را صالح نداند و به شایستگی دادگاه نظامی قرار عدم صلاحیت صادر نماید، اختلاف در صلاحیت ایجاد نمی شود مگر اینکه متعاقباً دادگاه نظامی نیز قرار عدم صلاحیت صادر نماید.

مقررات اختصاصی در خصوص حل اختلاف در صلاحیت محاکم نظامی در مواد ۶۰۰ و ۶۰۱ ق.آ.د.ک. به شرح آتی آمده است:

ماده ۶۰۰ ق.آ.د.ک.: «در صورت اختلاف در صلاحیت بین دادگاه نظامی یک و دادگاه نظامی دو در حوزه قضایی یک استان، نظر دادگاه نظامی یک متبّع است. در صورت اختلاف در صلاحیت بین دادگاه نظامی یک زمان جنگ و دادگاه نظامی دو زمان جنگ در حوزه قضایی یک استان، نظر دادگاه نظامی یک زمان جنگ لازم الاتباع است.»

نکته ۳۹: این ماده استثنایی بر قواعد حل اختلاف است چرا که علی‌الاصول دادگاه نظامی یک و دادگاه نظامی دو دادگاه بدوی هستند و در عرض هم قرار دارند و برابر ماده ۳۱۷ ق.آ.د.ک. بایستی حل اختلاف آن دو در مراجع عالی مورد رسیدگی قرار گیرد لکن ماده ۶۰۰ جهت جلوگیری از اطاله دادرسی، نظر دادگاه نظامی یک را برای دادگاه نظامی دو متبّع دانسته است.

ماده ۶۰۱ ق.آ.د.ک.: «در صورت اختلاف در صلاحیت بین دادگاه نظامی زمان جنگ با سایر مراجع قضایی نظامی در یک حوزه قضایی، نظر دادگاه نظامی زمان جنگ متبّع است.»

نکته ۴۰: به نظر می‌رسد که مقنن با لحاظ ضرورت‌های جنگی و جهت تسریع در رسیدگی چنین حکمی را پیش‌بینی نموده است. همچنین از ظاهر ماده ۶۰۱ چنین مستفاد می‌شود که نظر دادگاه نظامی زمان جنگ (اعم از دادگاه نظامی یک و دو) صرفاً برای دادگاه‌های نظامی عادی همان حوزه (اعم از دادگاه نظامی یک و یا دو) متبّع است و برای دادگاه‌های نظامی عادی سایر حوزه‌ها متبّع نمی‌باشد.

ماده ۳۱۷ ق.آ.د.ک. در مقام تعیین تکلیف راجع به حل اختلاف در صلاحیت مراجع کیفری بیان نموده: «حل اختلاف در صلاحیت در امور کیفری، مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی است و حل اختلاف بین دادسراها مطابق قواعد حل اختلاف دادگاه‌هایی است که دادسرا در معیت آن قرار دارد.»

نکته مهم ۴۱: بر اساس مواد قانونی اخیر الذکر و مواد ۲۷ و ۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی و سایر قوانین مربوط، مراجع صالح برای حل اختلاف در صلاحیت مراجع قضایی و شبه قضایی را می توان به ترتیب ذیل تقسیم بندی کرد:

۱- حل اختلاف بین دادگاه ها و دادسراهای نظامی مستقر در دو یا چند استان، برابر ماده ۲۸ ق.آ.د.م. بر عهده شعب دیوان عالی کشور است.

۲- در مواردی که دادسراها و محاکم نظامی رسیدگی به پرونده ای را در صلاحیت مراجع غیرقضایی (به جز شوراهای حل اختلاف و شعب سازمان تعزیرات حکومتی) بدانند (و یا بالعکس مراجع غیرقضایی قرار عدم صلاحیت به شایستگی محاکم نظامی صادر نمایند) و قرار عدم صلاحیت صادر نمایند، پرونده برای تعیین صلاحیت بدو^۱ به دیوان عالی کشور ارسال می گردد.

* نمونه رأی شعبه دیوان عالی کشور در مقام حل اختلاف در صلاحیت

شعبه یازدهم دیوان مورخ ۱۳۹۵/۰۷/۱۷

شماره رأی: ۹۳۰۹۹۸۸۷۲۷۶۰۰۹۸۵

خلاصه جریان پرونده:

دادسرای عمومی و انقلاب دیواندره در خصوص اتهامات انتسابی به تعداد ۱۳ نفر متهم پرونده موصوف که ۵ نفر آنها نظامی بوده اند مبنی بر اختلاف و ارتشاء و شرکت در نگهداری مشروبات الکلی با توجه به نظامی بودن متهمان اصلی و لزوم رسیدگی به جرائم شرکاء و معاونین جرم در یک دادگاه پرونده را با صدور قرار عدم صلاحیت به دادسرای نظامی سنج ارسال داشته دادسرای مذکور اتهامات نظامیان پرونده را مورد رسیدگی و نهایتاً مبادرت به صدور قرار نهایی در مورد آنان نموده و لیکن نسبت به اتهام متهمان غیرنظامی به اسامی: ۱- الف.ع.م. ۲- ح.الف.ج. ۳- م.الف. ۴- ح.م. ۵- ر.لار ۶- ع.ع. ۷- ش.ع.م. دائر بر قاچاق مشروبات الکلی و جعل و استفاده از سند مجعول خود را صالح به رسیدگی ندانسته

و با صدور قرار عدم صلاحیت به شایستگی و اعتبار دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان دیواندره پرونده را جهت حل اختلاف به دیوانعالی کشور ارسال که جهت رسیدگی به این شعبه ارجاع گردیده است. هیأت شعبه پس از شور چنین رأی می‌دهد:

رأی شعبه دیوان عالی کشور

با توجه به محتویات پرونده و غیرنظامی بودن متهمین، ضمن پذیرش استدلال دادرسی نظامی سندج با تشخیص و اعلام صلاحیت دادرسی عمومی و انقلاب دیواندره حل اختلاف می‌نماید.

شعبه یازدهم دیوان عالی کشور

۳- در مواردی که مراجع قضایی کیفری رسیدگی به پرونده‌ای را در صلاحیت شوراهای حل اختلاف و یا شعب سازمان تعزیرات حکومتی (صرفاً راجع به تخلفات قاچاق کالا) بدانند، پرونده را با قرار عدم صلاحیت مستقیماً به مراجع اخیر ارسال می‌نمایند و این مراجع مکلف به پذیرش صلاحیت هستند (مستند به ماده ۱۵ قانون شوراهای حل اختلاف و تبصره اصلاحی ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز).
۴- در مواردی که بین محاکم نظامی و دادرسی و دادگاه‌های ویژه روحانیت اختلاف در صلاحیت حاصل شود نظر دادگاه ویژه روحانیت لازم الاتباع است (مستند به تبصره یک ماده ۱۳ آیین نامه دادرسی و دادگاه‌های ویژه روحانیت).

۵- چنانچه بین دادگاه‌های نظامی دو و نظامی یک مستقر در یک حوزه قضایی اختلاف در صلاحیت حادث شود، نظر دادگاه نظامی یک برای دادگاه نظامی دو متبع است (ماده ۶۰۰ ق.آ.د.ک).

۶- برابر ماده ۶۰۱ ق.آ.د.ک. در صورت حدوث اختلاف صلاحیت بین دادگاه نظامی زمان جنگ با دادگاه نظامی عادی، نظر دادگاه نظامی زمان جنگ متبع است.

۷- در صورتی که بین دادگاه تجدیدنظر نظامی استانی با دادگاه تجدیدنظر یا سایر دادگاهها و دادرسی‌های نظامی استانی دیگر اختلاف در صلاحیت حادث

شود، با توجه به اینکه این دادگاهها در یک استان قرار ندارند و دادگاه تجدیدنظر نظامی استان، رابطه طولی با دادسراها و دادگاههای نظامی سایر استانها ندارد، لذا مطابق ماده ۲۸ ق.آ.د.م، رسیدگی به اختلاف در صلاحیت دیوانعالی کشور می‌باشد.

۸- برابر ماده ۲۸ ق.آ.د.م. حل اختلاف در صلاحیت بین دادسراها و محاکم عمومی و انقلاب با دادسراها و محاکم نظامی، در صلاحیت شعب دیوان عالی کشور است.

۹- برابر ماده ۱۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، مرجع حل اختلاف بین شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضایی، شعب دیوان عالی کشور است.

در خصوص اختلاف در صلاحیت مراجع قضایی با مراجع غیر قضایی رأی شماره ۶۶۰ مورخ ۱۳۸۲ هیئت عمومی دیوانعالی کشور رأی وحدت رویه قضائی هیئت عمومی دیوان عالی کشور قابل توجه است: «دادگاههای عمومی و انقلاب و نظامی از حیث درجه برابرند بنابراین در صورت حدوث اختلاف بین آنها در مورد صلاحیت بر طبق ماده ۲۸ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی دیوانعالی کشور حل اختلاف می‌نماید. و هرگاه این دادگاهها به صلاحیت مراجع غیرقضائی از خود نفی صلاحیت کنند و یا خود را صالح بدانند بلحاظ برتری اعتبار قضائی آنها نسبت به مراجع غیرقضائی نیازی به حدوث اختلاف نبوده و پرونده مستقیماً برای تشخیص صلاحیت به دیوانعالی کشور ارسال می‌شود. بنا بر مراتب رأی شعبه دوم دیوانعالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح و خالی از اشکال است. علیهذا مستنداً به ماده ۲۷۰ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای دادگاهها و شعب دیوانعالی کشور لازم‌الاتباع است.»

پرسش کاربردی ۵: در مواردی که دادسرا و یا دادگاه نظر بر صدور قرار عدم صلاحیت دارد آیا ضرورتی به اعلام ختم تحقیقات و دادرسی وجود دارد یا خیر؟

پاسخ: گر چه برخی از قضات به عادت، قبل از صدور هر گونه رأی، ختم تحقیقات و دادرسی را اعلام می‌نمایند لکن از آنجا که عدم صلاحیت یک تصمیم شکلی است که دادرسا و یا دادگاه قبل از ورود به ماهیت پرونده اتخاذ می‌نماید، اعلام ختم تحقیقات و یا دادرسی بی مفهوم است و در واقع هنوز تحقیقات و دادرسی به پایان نرسیده و صرفاً پرونده از مرجعی غیر صالح به مرجع صالح ارسال می‌گردد. مواد قانونی ناظر بر ضرورت اعلام ختم تحقیقات و دادرسی پیش از صدور رأی، همگی مربوط به زمانی است که دادرسا و دادگاه در مقام اتخاذ تصمیم ماهوی می‌باشد از جمله مواد ۲۶۲، ۳۷۱ تا ۳۷۳ و ۴۰۴ ق.آ.د.ک. در این خصوص قابل توجه است. در خصوص سایر تصمیمات شکلی دادگاه از قبیل قرار امتناع از رسیدگی نیز همین نظر مطرح است. نظریه شماره ۷/۹۳/۲۱۰۳ مورخ ۱۳۹۳/۹/۴ اداره کل حقوقی قوه قضاییه مؤید همین نظر است.

گفتار چهارم: ضمانت اجرای رعایت مقررات صلاحیت

همچنان که پیشتر گفته شد، صلاحیت رسیدگی همانند سایر مقررات آیین دادرسی کیفری، از قواعد آمره می‌باشد لذا تخلف از این مقررات آمره، علاوه بر بی اعتبار ساختن تصمیمات نهایی مراجع قضایی فاقد صلاحیت، برای قاضی نیز مسئولیت آور است.

ضمانت اجرای رعایت مقررات راجع به صلاحیت در قوانین مختلف پیش بینی شده است که به شرح آتی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف) بی اعتباری تصمیمات قضایی

تصمیم قضایی در صورتی واجد اعتبار قانونی است که توسط مرجع صالح اتخاذ شده باشد؛ لذا تصمیمات قانونی متخذه از مراجع قضایی فاقد صلاحیت معتبر نمی‌باشد و چنانچه نسبت به این تصمیم تجدیدنظر و یا فرجام خواهی شود، توسط دادگاه تجدیدنظر و یا شعب دیوان عالی کشور نقض می‌گردد.

بند پ ماده ۴۵۰ ق.آ.د.ک. در همین خصوص مقرر نموده: «هرگاه رای توسط دادگاهی که صلاحیت ذاتی یا محلی ندارد صادر شود، دادگاه تجدید نظر استان، رای را نقض و پرونده را به مرجع صالح ارسال و مراتب را به دادگاه صادر کننده رای اعلام می کند.»

همچنین بند ۳ ماده ۴۶۹ ق.آ.د.ک. مقرر داشته: «اگر رای به علت عدم صلاحیت ذاتی دادگاه نقض شود، پرونده به مرجعی که دیوان عالی کشور، صالح تشخیص می دهد، ارسال می شود و مرجع مذکور مکلف به رسیدگی است.» نظریه مشورتی شماره ۷/۹۶/۸۳۷ مورخ ۹۶/۴/۱۲ اداره کل حقوقی قوه قضاییه نیز در این خصوص قابل توجه است: «نظر به اینکه تصمیمات متخذة قضایی از سوی مرجع فاقد صلاحیت ذاتی اعتبار واقعی ندارد، در فرضی که پرونده به عنوان مثال از سوی دادگاه نظامی با قرار عدم صلاحیت به دادگاه انقلاب ارسال شده است، رسیدگی این دادگاه بر مبنای کیفرخواست صادره از دادسرای نظامی فاقد وجاهت قانونی است.»

نکته ۴۲: بی اعتباری تصمیمات قضایی مراجع قضایی فاقد صلاحیت، دلیل بر بی اعتباری تحقیقات مقدماتی این مراجع نمی باشد و تحقیقات مقدماتی (شامل: دستورات اولیه برای حفظ ادله و آثار جرم، اخذ اظهارات طرفین پرونده و شهود، قرار تأمین، کارشناسی،...) معتبر است. ماده ۱۱۷ ق.آ.د.ک. در همین خصوص مقرر نموده: «در مواردی که جرم خارج از حوزه قضائی محل مأموریت بازپرس واقع شده، اما در حوزه او کشف یا مرتکب در آن حوزه دستگیر شود، بازپرس تحقیقات و اقدامات مقتضی را به عمل می آورد و در صورت لزوم، قرار تأمین نیز صادر می کند و چنانچه قرار صادره منتهی به بازداشت متهم شود، پس از رسیدگی به اعتراض وی در دادگاه کیفری که بازپرس در معیت آن انجام وظیفه می نماید، با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به همراه متهم، حداکثر ظرف چهل و هشت

ساعت، به دادسرای محل وقوع جرم می‌فرستد». مواد ۷۸ و ۱۱۸ ق.آ.د.ک. نیز دلالت بر همین موضوع دارد.

ب) مسئولیت انتظامی

تخلف از مقررات آمره راجع به صلاحیت ذاتی و محلی برای قاضی مسئولیت آور است و ضمانت اجرای مجازات انتظامی را در پی دارد.

ماده ۱۵ قانون نظارت بر رفتار قضات مقرر داشته: «مرتکبان هر یک از تخلفات ذیل با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب به یکی از مجازاتهای انتظامی درجه چهار تا هفت محکوم خواهند شد:... بند ۵- رعایت نکردن مقررات مربوط به صلاحیت رسیدگی اعم از ذاتی یا محلی».

ماده ۱۳ قانون اخیر الذکر مقرر داشته: «مجازات‌های انتظامی قضات سیزده درجه به شرح زیر است:...

۴- کسر حقوق ماهانه تا یک سوم از شش ماه تا یک سال

۵- کسر حقوق ماهانه تا یک سوم از یک سال تا دو سال

۶- تنزل یک پایه قضائی و در مورد قضات نظامی تنزل یک درجه نظامی یا رتبه

کارمندی

۷- تنزل دو پایه قضائی و در مورد قضات نظامی تنزل دو درجه نظامی یا دو رتبه

کارمندی»

نکته ۴۳: با توجه به رویه دادسرا و دادگاه‌های انتظامی قضات به نظر می‌رسد در مواردی که به علت نقص و یا ابهام قانونی، برداشته‌های متفاوت از قانون راجع به صلاحیت وجود دارد، محکوم نمودن قاضی به علت تشخیص اشتباه در خصوص صلاحیت مورد پذیرش نبوده و معمول بر نظر قضایی تلقی می‌گردد. صرفاً در مواردی که قانون صریح بوده و اختلاف نظری وجود ندارد، امکان محکومیت قاضی به مجازات انتظامی به علت نقض قواعد صلاحیت مطرح می‌شود.

قسمتی از دادنامه شماره ۱۱۸ و ۱۱۴ مورخ ۱۳۷۰/۶/۱۲ شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات در این خصوص قابل ذکر است: «... لذا با عنایت به محتویات پرونده قضایی و توجه به ماده ۱۴۷ قانون مزبور، موضوع کلاً" محمول بر نظر و استنباط قضایی قضات شعبه دیوانعالی کشور است و تخلفی نیست...»^۱

ج) مسؤولیت مدنی

اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی ج.ا.ا. مقرر نموده: «هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می شود، و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می گردد.»

طبق ماده ۹۵۳ قانون مدنی: «تقصیر اعم است از تعدی و تفریط». در ماده ۹۵۱ تعدی این گونه تعریف شده است: «تعدی تجاوز نمودن از اذن یا متعارف است نسبت به مال یا حق دیگری». همچنین در تعریف تفریط نیز قانون مدنی در ماده ۹۵۲ مقرر می دارد: «تفریط عبارت است از ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال لازم است».

تبصره ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در تعریف تقصیر مقرر می دارد: «تقصیر اعم از بی احتیاطی و بی مبالاتی است. مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آنها، حسب مورد، از مصادیق بی احتیاطی یا بی مبالاتی محسوب می شود.»

چنانچه در اثر اشتباه و یا تقصیر قاضی در تشخیص صلاحیت، خسارتی متوجه طرفین دعوی شود (مثلاً قاضی خود را صالح دانسته و بعد از چندین ماه رسیدگی اقدام به صدور رأی نموده اما رأی نقض و پرونده به مرجع صالح ارسال شده و در

۱ - کریم زاده، احمد، نظارت انتظامی در نظام قضایی، انتشارات آیدا، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶، ص ۹۵.

اثر این فرایند طولانی اشتباه، طرفین متضرر شده اند) در صورتی که ناشی از اشتباه قاضی باشد، به تشخیص دادگاه عالی انتظامی قضات، دولت مکلف به جبران خسارت است و چنانچه ناشی از تقصیر قاضی باشد، شخص قاضی مکلف به جبران خسارت است.

ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات: « رسیدگی به دعوای جبران خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی موضوع اصل یکصد و هفتاد و یکم (۱۷۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در صلاحیت دادگاه عمومی تهران است. رسیدگی به دعوای مذکور در دادگاه عمومی منوط به احراز تقصیر یا اشتباه قاضی در دادگاه عالی است.

تبصره - تعلیق تعقیب یا موقوفی تعقیب انتظامی یا عدم تشکیل پرونده مانع از رسیدگی دادگاه عالی به اصل وقوع تقصیر یا اشتباه قاضی نیست.»

هیأت عمومی دیوان عالی کشور به موجب رأی وحدت رویه شماره ۷۹۱ مورخ ۱۷/۴/۱۳۹۹ در همین خصوص مقرر داشته: « با عنایت به ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۷/۷/۱۳۹۰ رسیدگی به دعوای جبران خسارت ناشی از تقصیر یا اشتباه قاضی موضوع اصل یکصد و هفتاد و یکم (۱۷۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در دادگاه عمومی حقوقی تهران منوط به احراز تقصیر یا اشتباه قاضی در دادگاه عالی انتظامی قضات است. بنابراین مدعی ورود خسارت مذکور ابتدا باید درخواست خود را به دادگاه عالی انتظامی قضات تقدیم و پس از احراز تقصیر یا اشتباه قاضی، دعوا را حسب مورد، به طرفیت قاضی مقصر یا دولت در دادگاه عمومی حقوقی صالح اقامه کند. بر این اساس، رای شماره ۰۰۶۴۶ مورخ ۳۰/۴/۹۸ شعبه دوازدهم دادگاه تجدیدنظر استان تهران تا حدی که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود. این رای طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم الاتباع است.»

جمع بندی

مقررات مربوط به صلاحیت از قواعد آمره است و قاضی باید قبل از هر موضوعی ابتدا صلاحیت خود را احراز نماید و سپس یا قرار عدم صلاحیت صادر نماید و یا شروع به رسیدگی نماید.

این اصل کلی دو استثناء مهم دارد: ۱- اولویت انجام سریع تحقیقات مقدماتی بر رعایت مقررات مربوط به صلاحیت (جلوگیری از امحای آثار جرم و فرار یا مخفی شدن متهم - موضوع مواد ۷۸ و ۹۴ ق.آ.د.ک.)، ۲- اولویت تعیین تکلیف متهم بازداشتی بر رعایت قواعد صلاحیت (ماده ۱۱۷ ق.آ.د.ک.).

صلاحیت‌های دادسراها و دادگاه‌های نظامی کشور، به عنوان یگانه مرجع قضایی اختصاصی مصرح در قانون اساسی، منحصر به صلاحیت ذاتی (رسیدگی به جرایم خاص نظامی و انتظامی) نمانده و از ابتدای انقلاب اسلامی تا کنون صلاحیت‌های اضافی این محاکم توسعه یافته و اینک تعداد صلاحیت‌های اضافی سازمان قضایی نیروهای مسلح به عدد ۲۲ رسیده است.

با توجه به آمره بودن مقررات مربوط به صلاحیت، به نظر می‌رسد در مواردی که سازمان قضایی نیروهای مسلح به موجب استجازات حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) مجاز به رسیدگی به برخی جرایم شده است، بالتبع صلاحیت رسیدگی از سایر مراجع قضایی سلب شده است.

همچنین مستند به تبصره ۱ ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری، امکان توسعه صلاحیت‌های دادسراها و دادگاه‌های نظامی در آینده نیز متصور است.

«وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»